

بقلم آقای حاج حسین آقاجوانی

میرزا محسن تبریزی متخلص به تأثیر

میرزا محسن تأثیر از مشاهیر شعرا و سخن‌سرایان تبریز است آبا و اجدادش در زمان شاه عباس کبیر از تبریز باصفهان رفته تأثیر در اصفهان پابصره وجود نهاده از سلاطین صفوی زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی را درک کرده با محمد علی صائب تبریزی و شیخ محمد علی حزین معاصر بود در حق شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی و رجال دوره ایشان قصاید و قطعات بیشماری مشتمل بر مدح و ماده تاریخ از آن مرحوم در صفحه روزگار بیادگار مانده از شعرائی است که ماده تاریخ زیاد گفته و مخصوصاً در این فن بد طولائی داشت از قصاید و قطعات تاریخیه او چند فقره ذیلاً نگاشته میشود از تاریخ ولادتش اطلاعی در دست نیست در سنه هزار و سیصد و سی و یک هجری در اصفهان دارفانی را وداع گفته میرزا داود اصفهانی از شعرای معاصر تأثیر این جمل را در تاریخ وفات او گفته (آه از تأثیر آه ۱۱۳۱) دیوان مفصلی خطی قریب به بیست هزار بیت از آن مرحوم در کتابخانه آقای سلطان‌القراء تبریزی بنظر رسیده از قراریکه مرحوم تربیت در دانشمندان نوشته نسخه از دیوان آن مرحوم در کتابخانه دانشکده معقول و منقول و نسخه دیگری در کتابخانه مجلس موجود است دیوانش تا کنون بچاپ نرسیده شیخ محمد علی حزین در تذکره خود در شرح حال تأثیر چنین نگاشته: میرزا محسن تأثیر صاحب آداب

حمیده اخلاق پسندیده بوده نواب وحید الزمان (۱) در مقام تربیت او بر آمده دفتر آوارچه عراق را باو مفوض داشته و بعد از آن بوزارت دارالعباد یزد در رسید از علم سیاق و انتظام مهام دیوانی و حسن معاشرت با نام بیقرینه و با این خاکسار صدیق دیرینه بود و در اواخر مدتی دست از مهمات دنیا باز داشته با عزت و احترام در اصفهان معتکف منزل خویش بوده تا بجوار ملک علام رحلت نمود از هر نوع شعر بسیار گفتی فکرش بدقایق سخن رسا و بلفظ و معنی بیشتر از بعضی یاران آشنا بود مرحوم تربیت نیز در دانشمندان آذربایجان در حق تأثیر چنین نگاشته :

میرزا محسن تأثیر از مشاهیر سخنوران تبریز است سلسله نسب وی از طرف والده به محمد حسین خان چلبی میرسد و از جانب پدر نواده ابوالحان؛ زرگر تبریزی است آبا و اجدادش در زمان شاه عباس کبیر از تبریز باصفهان رفته و تأثیر در آنجا متولد شده مرحوم تربیت از آنهمه اشعار تأثیر بچندین ماده تاریخ و فهرست قصاید و مثنویات اکتفا نموده بعضی از تذکره نویسان نیز غیر از مرحوم هدایت مختصر اشاره بشرح حال تأثیر بطریق اجمال کرده اند چنانچه گفته شد مرحوم تأثیر در ایام جوانی با محمد علی صائب تبریزی معاصر بود و بیشتر اوقات در مجالست و مصاحبت همدیگر بودند و گاهی مابین ایشان مشاعره و مناظره ادبی نیز اتفاق می افتاد در اشعار و غزلیاتش در چندین جا بنام صائب اشاره کرده و چنین گوید

صائب شیرین سخن در شعر مستثنی بود

ورنه تأثیر از که در ایجاد معنی کمتر است



جواب انغزل صائب است این تاثیر
که همچو نامه سربسته است هر سخنش

حاذق نبض سخن در همه عالم نیست
بجز از صائب و تأثیر که از تبریزند
در بعضی از غزلیات تخلص را با اسم متذکر شده
چند به بستر افکنی محسن مستمند را

هیچ حذر نمیکنی از دم واپسین او
مرحوم تأثیر در ناحیه یزد وزیر مالیه و محصل حقوق دیوانی بود در سنه
۱۱۲۰ در اثر سعایت مخالفتش از آمنتصب معزول و عزلت و راحت اختیار کرده
در اصفهان منزوی بود در اینخصوص گفته

خدمت پنجاه دو سه ساله ام	ساخته سرگشته چو جواله ام
مرحمت خسرو عرش آستان	داد بسرکار عراقم مکان
گرچه زمن راست قلمتر نبود	همچو منی در همه دفتر نبود
با حسبم بود مقارن نسب	هزل شدم بی گنه و بی سبب

چون خلاص از عمل یزد شدم	گشتم آسوده قدام به بهشت
بی تاریخ یکی زاهل سخن	قلم آورد و (تخلص) نوشت

۱۱۲۰

در موقع اقامت خود در یزد مشغول عمران و آبادی بوده و حتی قناتی در
یرد احداث کرده بنام (تأثیر آباد) در اینخصوص گوید

بی شبهه وشک نبود آبی در یزد	از جانب شرق ان برای صلحا
تامشرب آن گلشن و کهنه باشد	بیرون کردم قناتی از لطف خدا
(تأثیر آباد) شد بنام آنچشمه	وان نام شد از معجزه تاریخ بنا

چند بیت از قصیده مذیل بتاریخ که در تفویض منصب وزارت به نواب وحید الزمان محمد طاهر قزوینی گفته

مرحبا باد صبا قاصد فرخنده نوید
آن قران دوسعدت که شد از تأثیرش
آن یکی مژده برگشتن سلطان بهار
واند گرمزده که شد باعث احیای جهان
آصف ملک جهان اکمل ابنای زمان
چرخ را مسند اقبال بلندش گفتم
هیچ دستی دگر از دست تو برتر نبود
هر مرادی که تصور کند اندیشه عقل
تا وزارت بتو تفویض شد از لطف اله
پی تاریخ شنیدم که عطارد می گفت
که رسید از تو بما مژده عید از پی عید
خاطر منتظران مشرق ماه و خورشید
که کند مقدم آن عهد کهن را تجدید
بود تفویض وزارت بخداوند و حید
که بطالع همه سعد است و باقبال سعید
بدر از کون و مکان شد بخود از بس بالید
از تو تدبیر جهان کردن و از حق تأیید
بخت فیروز ترا از دل و جان بادمیرد
که زایزد بتو این رتبه بماند جاوید
(مژده باد اهل هنر آصف ملک است و حید)

۱۱۰۴

در تاریخ وزارت مومن خان ایشیک آقاسی باشی قصیده گفته که متضمن تاریخ است چند بیت نوشته میشود.

خان ایران مدار مؤمن خان
اعتضاد و قوام دولت و دین
آنکه کربانک بر زمانه زند
رایت اقتدار و شوکت او
قطره از کف کهر بارش
در حصار حصین معدلتش
همچو جرم قدر ز پرتو مهر
شد چو از فضل کردگار جهان
بهر تاریخ زد رقم تاثیر
مطلع بعبدل سیف و قلم
زبده ممکنات و فخر امم
اشهب روز را کند ادهم
دارد از اطلس فلک پرچم
سیل بنیاد همت حاتم
گرگ باشد نگاهبان غنم
روشن از تست دودمان کرم
منصب تو وزارت اعظم
(باز آمد وزیر راست قلم)

۱۱۰۶

قصیده ایست متضمن ماده تاریخ که دروفات شاه سلیمان صفوی گنّه و بر صندوق قبرش ثبت شده

در همه آفاق ذکرش منتشر
 هست فیضش تا قیامت مستمر
 در ضمیرش مهر تابان محتر
 بود شغلش در عدالت منحصر
 معترف نوشیروان دارا مقرر
 از جهان و آب و گل شد منزجر
 گشت در فردوس اعلی مستقر
 مهر و مه بگرفت و گردون شد کدر
 آشکارا منسی صندوق سر
 گشت چون با چشم گریبان منتظر
 (منزلی عنده ملیک مقدر)

۱۱۰۵

شاه دین سلطان سایمان آنکه بود
 آن شهنشاهی که همچون آفتاب
 آنکه بود از فیض روشن گوهری
 آنکه از تائید لطف کردگار
 آنکه بودی پیش عدل و شوکتش
 جای خود چون دید در گزار قدس
 مرغ روحش تازتن پرواز کرد
 روز شد مانند شب مشکین لباس
 گشت از صندوق آن سراله
 کلام تاثیر از پی تاریخ آن
 آمد از روحش خطاب مستطاب

این قصیده تاریخیه را در مرثیه و تاریخ وفات علامه الدهر آقا حسین خونساری
 استاد خود گفته

گردیده و نه دیده بدانش عدیل او
 پیوسته بود حجت قاطع دلیل او
 گلزارها میان آتش خلیل او
 خلقیست منحل ز عطای جزیل او
 کافاق پر شده است ز ذکر جمیل او
 خود جنت و معانی تر سلسبیل او
 عمر مؤبد است بقای قلیل او
 از حق طلب کنند بقای طویل او

آقا حسین عرش مضایل کاسمان
 علامه که از پی قطع کلام خصم
 گاه سخن ز شعله ادراک مینمود
 زد پشت و پایمال جهان پای همتش
 خلق جمیل و خلق جمالش دوباعثند
 رو کرد سوی گلشن فردوس گرچه بود
 خود رفت و ماند تا قیامت از او اثر
 شاهنشاه زمانه سلیمان که انس و جان

فرمود تا بنای نکو منظری کنند
 شد در زمان بنای چنین مرقدی بلند
 دانی که دره نك اثر کهکشانش چیست
 تاثیر گشت از پی تاریخ رحلتش
 بر مرقد منور پاك جلیل او
 کاندر ریاض خلد نیاشد بدیل او
 سوده بچرخ کنگره مستطیل او
 آن دم که بود اختر طالع کفیل او
 زد چاک جامه خامه مشگین لباس گفت
 (رفت از جهان کسی که نیایی عدیل او)
 ۱۰۹۸

